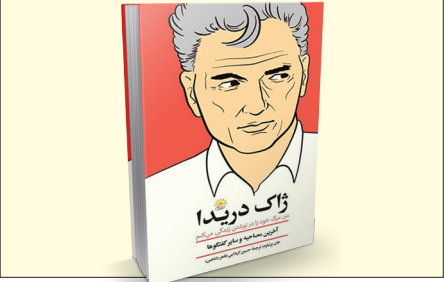


آخرین مصاحبه با دریدا

کتاب «ژاک دریدا؛ من مرگ خود را در نوشتن زندگی می‌کنم» منتشر شد. این کتاب آخرین مصاحبه این فیلسوف است که توسط «جان برنباوم» انجام شده است و حسین کر بلایی طاهر آن را ترجمه کرده است. «ژاک دریدا؛ من مرگ خود را در نوشتن زندگی می‌کنم» در ۸۰ صفحه، شمارگان هزار نسخه و پهای ۱۰ هزار تومان از سوی نشر «آفتابکاران» منتشر شده است.



اندیشه گرام

سید جواد میری:

جمهوری اسلامی در نظر طباطبایی نوعی ملغمه است!



سید جواد میری در ادامه منازعه خود با سیدجواد طباطبایی و اندیشه ایرانی شهری در گفت وگویی با «فارس» به بیان برخی دیگر از نقدهای خود بر اندیشه‌های او پرداخته است. میری در این گفت‌وگو تلاش کرده است با استناد به مصاحبه طباطبایی با یک نشریه فرانسوی در سال ۲۰۰۱ که پس از حملات یازده سپتامبر انجام شده و توجه به سه کتاب مهم او «زوال اندیشه سیاسی در ایران»، «این‌خلدون و علوم اجتماعی» و «خواجه نظام الملک طوسی، گفتار در تداوم فرهنگی ایران» برخی زوایای اندیشه او را بازخوانی یا بازسازی کند.

طباطبایی در بخشی از این مصاحبه می‌گوید: «اغلب می‌گویم که در اسلام، اغتشاش بین سیاست و مذهب است. با انقلاب ایرانی، گمان کردیم که به علت این سردرگمی پی برده‌ایم؛ اسلام به خوبی یک نظریه سیاسی داشته. در حقیقت، نظریه‌پردازان متقاعد شده‌اند که در اسلام، جدایی بین کلیسا- البته اگر بتوان اینچنین گفت- و حکومت به وجود آمده است. زیرا مطلبی نه در قرآن و نه در احادیث درباره سیاست، بیان نشده است. زیرا از آغاز، اسلام دینی، دنیایی بوده که هم به آخرت و هم به زندگی دنیوی توجهی یکسان داشته و بین آن تعادل برقرار کرده است. حقیقتاً دین از سیاست جداست؛ دین به زندگی درونی ما توجه دارد اما عاری از هرگونه نظریه سیاسی است.»

میری در تفسیر این قسمت از صحبت‌های طباطبایی با بیان اینکه بحث حاکمیت اسلامی، جمهوری اسلامی، ولایت فقیه و... در ذیل نوع نگاه شرق شناسانه‌ای که جواد طباطبایی آن را درونی کرده است، نوعی ملغمه می‌نماید، اضافه می‌کند که برای بسط این ایده باید به سه‌گانه شریعت‌نامه‌نویسی، سیاست‌نامه‌نویسی و فلسفه سیاسی مطرح شده در کتاب «خواجه‌نظام‌الملک» طباطبایی رجوع کرد. شریعت‌نامه‌نویسی در جهان اهل سنت با ایده خلافت رشد می‌کند، سیاست‌نامه‌نویسی در جهان ایرانی رشد می‌کند و در دوران مدرن گرفتار آشوب‌هایی می‌شود که منجر به از دست دادن منطق درونی‌اش و فلسفه سیاسی نیز دچار افول می‌شود. طباطبایی معتقد است از درون همین آشوب‌های زیست جهان ایرانی در مواجهه با جهان مدرن است که مفهوم جمهوری اسلامی متولد می‌شود.

طباطبایی در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود با خبرنگار فرانسوی می‌گوید: «سنت دینی اسلام، از سه تا چهار قرن اخیر، بیش از پیش متحجر شده است و بعد از این سنت، دیگر نمی‌توان سوال‌های تازه‌ای مطرح کرد. مساله بدتری نیز وجود دارد: اگر دستگاه پینشی عاریت گرفته از غرب را حذف کنیم، یک مسلمان دیگر حرفی برای گفتن ندارد. توجه کافی به شکست اسلام از درون نشده است. باید بگویم که از قرن‌ها پیش، این سیستم فکری، نتیجه فقدان تلاش‌های تازه برای تفسیر و طرح سوال‌های جدید، به قهقرا رفته است. مسلمانان با نیروی چیزها، در دنیای مدرن زندگی می‌کنند اما همچنان با بینش‌های سنتی خود. هرچند که جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان می‌گویند که مدرنیته نمی‌تواند اسلامی باشد. اگر ایدئولوژی کردن اسلام، باید همچون تنها اقق ممکن تجدید سیستم فکری اسلام و تنها راه به سوی مدرنیته مورد قبول واقع شود، برای این است که ابزار سنتی تفکر اسلامی دیگر قادر به طرح سوالات تازه نیست. هیچ یک از بینش‌هایی که امروزه مسلمانان با آن دنیا را درک می‌کنند و توضیح می‌دهند، از بطن سیستم فکری اسلام بیرون نمی‌آید. در غرب، رزناس ظهور کرد؛ تولد دوباره چیزی که در حال مرگ بود. در اسلام، چنین چیزی وجود ندارد و چیزی که در حال مرگ بود، چهار تا پنج قرن است که از زوال آن می‌گذرد. کسانی که می‌خواهند به اسلام جان دوباره بخشند، هدف غیرممکنی را دنبال می‌کنند، آنها می‌خواهند مرده‌ای را زنده کنند.»

جواد میری در نقد این فقرات نیز با بیان اینکه از نظر ایشان هرکسی که بخواد مفهوم و پروژه اجتماع را مطرح کند اساسا به دنبال یک مقوله مرده و باطلی است، اضافه می‌کند که مدعای طباطبایی در مورد اینکه اسلام مرده است و قدرت بازسازی ندارد، حرف جدیدی نیست و شبیه آن را ازسنت رنان هم گفته و گفته‌های طباطبایی هم حرف‌های خود او نیست بلکه تکرار سخنان آرامش دوستدار است. میری در پایان مدل خوانش طباطبایی از اسلام را خوانشی از منظر کاتولیسیسم و بینش کاتولیکی می‌داند و معتقد است ادعا طباطبایی مبنی بر تبدیل ایران به یک مساله نه‌تنها ایران را به یک مساله لاینحل تبدیل می‌کند بلکه به تبع همین، در مواجهه با مسائل ایران به یک حالت سلبی می‌رسد که مجبور است مدام امور مختلفی مثل تنوع، تکثر زبانی، تکثر سیاسی و... را سلب کند.

اخبار، یادداشت و گزارش‌هایی از اندیشه و آیین

بررسی سیر تاویل و تمثیل در اندیشه احمد غزالی

دوره بررسی و شرح مهم‌ترین اثر احمد غزالی با عنوان سوانح‌العشاق باتدریس حسن بلخاری‌فهی، روزهای شنبه ساعت ۱۶ تا ۱۷:۳۰ در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. آغاز این نشست‌ها شنبه هشتم اردیبهشت است. مرکز فرهنگی شهر کتاب در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم واقع شده است.



دوره بررسی و شرح مهم‌ترین اثر احمد غزالی با عنوان سوانح‌العشاق باتدریس حسن بلخاری‌فهی، روزهای شنبه ساعت ۱۶ تا ۱۷:۳۰ در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. آغاز این نشست‌ها شنبه هشتم اردیبهشت است. مرکز فرهنگی شهر کتاب در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم واقع شده است.

به هرکدام از فلاسفه غربی که بخواهیم نزدیک شویم ناخودآگاه با دو مدخل اصلی روبه‌رو می‌شویم. راه گریزی نیست؛ درنهایت ما باید از مطالعه اثر به فهم نویسنده آن پی ببریم. تنها می‌توان به زندگی در دنیای برساخته از اندیشه نویسنده که حاصلش غالباً چند صفحه کاغذ به‌عنوان کتاب است، نزدیک شد. در این

میان فهمیدن حقیقت فهم هگلی از آنجایی که هگل ذاتاً ثقیل الفهم بوده جایگاه ویژه‌تری دارد. اینکه از دالان مطالعه متن به یک فهم جامع از فیلسوفی «دشوار فهم» برسیم باعث شده در این مورد چند سطری بنویسیم. اما دلیل دیگری که می‌تواند مساله هگل را بیشتر مطرح کند، علاقه جامعه آکادمیک کشور به مساله هگل، آن هم درمواجهه ایرانیان با اوست. این اهمیت، نگارنده را وادار کرد درخصوص دشواری‌های پیش‌روی «هگل‌خوانی» در ایران بیشتر بنویسد.

برای ورود به بحث، باید خاطرنشان کرد که عموماً پژوهشگران حوزه اندیشه برای مطالعه دقیق از آثار فلاسفه غربی چاره‌ای جز دو روش اصلی ندارند، یا باید در فضای دانشگاهی و آکادمیک از طریق برخی مفسران و معلمان، فلسفه هگل و امثالهم را بیاموزند یا به ناچار باید خود در مقام یک مرجع، از دهلیز زبان اصلی فیلسوف دل به دریای واژگان او بزنند و شطرنج را به تنهایی بگذرانند. با این وجود هگل و متونی چون پدیدارشناسی روح او، کار را از ورطه یک شط بالاتر برده و آن را بیشتر شبیه به یک اقیانوس کرده است.

برای دسته‌دوم از هگل‌خوانان (معتقد به اهمیت مرجع) باید این نکته را مطرح کرد که عموماً هگل‌پژوهان معتقد هستند آثار این فیلسوف آلمانی ذاتاً دشوار و سخت‌ترجمه بوده و راه به دالان‌های پرپیچ و خمش را کار هر پژوهشگری نمی‌دانند. به همین جهت پیشنهاد می‌شود عموماً کتب اصلی هگل را نسبت به نوع ویراستاری و پاورقی‌های آن انتخاب کنید! در زبان اصلی!، اینکه هر کتاب هگلی متعلق به اوست و تفاوت در نوع نشر و گردآوری یک حيله تجاری است، سخن منصفانه‌ای به نظر نمی‌رسد.

در گام دوم جست‌وجو درخصوص یک واژه‌نامه تاریخی که در آن ریشه‌یابی کلمات به درستی انجام داده است نیز بسیار اهمیت دارد؛ به‌طور مثال واژه‌نامه ریتر (Joachim Ritter) یکی از بهترین نمونه‌های مرجع به‌عنوان واژه‌نامه تاریخی- فلسفی برای هگل‌دوستان به‌منظور فهم تفکر این

فیلسوف آلمانی آن‌هم به روش انفرادی و غیرآکادمیک است. نکته‌مهم‌دیگری که در خوانش آثار هگل پیشنهاد می‌شود، ترتیب مطالعه آثار او است. اصولاً دو اثر «علم‌منطق» و «پدیدارشناسی روح» به دلیل ثقیل‌الفهم بودن نباید به‌عنوان آثار اولیه برای هگل‌خوانی انتخاب شود. شاید مطالعه

«درس گفتارهای هگل» برای شناخت بهتر از ادبیات مورد استفاده او و همچنین ریشه‌یابی کلمات بسیار مفیدتر باشد

کتابنامه

نگاهی به کتاب «فلسفه سیاسی صدرالمتاهلین»

«پرسش‌های کشنده» رونمایی و بررسی می‌شود

نشست معرفی و بررسی کتاب «پرسش‌های کشنده» امروز در شیراز برگزار خواهد شد. در این نشست مصطفی ملکیان و جواد حیدری (مترجمان کتاب) سخنرانی خواهند کرد. این کتاب ششمین اثر از تامس نیگل است که به فارسی ترجمه شده است. این جلسه از ساعت ۱۷ تا ۲۰ امروز در تالار احسان شهر شیراز برگزار خواهد شد.



بافیلسوفان غربی چه کنیم؟

دشواری‌های هگل‌خوانی



واژه‌نامه تاریخی – فلسفی برای هگل‌دوستان به‌منظور فهم تفکر این فیلسوف آلمانی آن‌هم به روش انفرادی و غیرآکادمیک است. نکته مهم دیگری که در خوانش آثار هگل پیشنهاد می‌شود، ترتیب مطالعه آثار اوست. اصولاً دو اثر «علم‌منطق» و «پدیدارشناسی روح» به دلیل ثقیل‌الفهم بودن نباید به‌عنوان آثار اولیه برای هگل‌خوانی انتخاب شود. شاید مطالعه «درس گفتارهای هگل» برای شناخت بهتر از ادبیات مورد استفاده او و همچنین ریشه‌یابی کلمات بسیار مفیدتر باشد

واژه‌نامه تاریخی – فلسفی برای هگل‌دوستان به‌منظور فهم تفکر این فیلسوف آلمانی آن‌هم به روش انفرادی و غیرآکادمیک است. نکته‌مهم‌دیگری که در خوانش آثار هگل پیشنهاد می‌شود، ترتیب مطالعه آثار او است. اصولاً دو اثر «علم‌منطق» و «پدیدارشناسی روح» به دلیل ثقیل‌الفهم بودن نباید به‌عنوان آثار اولیه برای هگل‌خوانی انتخاب شود. شاید مطالعه «درس گفتارهای هگل» برای شناخت بهتر از ادبیات مورد استفاده او و همچنین ریشه‌یابی کلمات بسیار مفیدتر باشد

چنانکه ممکن است برخی معتقد باشند فی‌المثل، بحث محبت را قبل از ملاصدرا، خواجه‌نصیر هم مورد تأمل قرار داده یا اوصافی که ملاصدرا برای رئیس مدینه ذکر می‌کند قبلاً توسط فارابی ارائه شده است. این استنباط همان‌گونه که قبلاً هم‌آمد، مبتنی بر پیش‌فرض «غیرتاسیسی بودن حکمت متعالیه» است. نویسنده ضمن رد این پیش‌فرض، امتداد آن را در فلسفه سیاسی هم رد می‌کند و بر این باور است که مواد فلسفه سیاسی ملاصدرا ضمن اشتراک بافیلسوفان سیاسی سلف، دارای وجوه ابتکاری و تاسیسی است. به‌عنوان مثال، نویسنده در بحث از اوصاف رئیس مدینه، به این باور است که «در کنار این اخذ و اقتباس‌های ملاصدرا، افزوده‌ها، مباحث و توجیهاتی بوده است که در قالب دستگاه تازه‌دسیس حکمت متعالیه باید سنجش شود؛» نکته جالب آنکه دکتر لکزایی علت اصلی «وجه استقلالی فلسفه سیاسی صدرالمتاهلین» را تأثیرپذیری ملاصدرا از مقوله «عرفان» می‌داند که به تعبیر آیت‌... جوادآملی، مهم‌ترین عاملی بود که ملاصدرا را از حکمت مشاواشراقی به حکمت متعالیه سوق داد. دکتر لکزایی در تبیین تأثیر این نگاه بر ملاصدرا می‌نویسد: «نگاه عرفانی وداشتن رنگ وبوی اخلاقی و معنوی انسان را وارد عوالمی دیگر می‌کند و نوع نگاه عارف به انسان و جامعه را نیز متحول می‌سازد. این نگاه، سرشار از مهربانی و نظر رحمانی به همه پدیده‌ها و موجوداتی است که خداوند خلق کرده و در مسیر طبیعی خود سیر می‌کنند. عرفان عارف در حکمت متعالیه به برهان می‌رسد و از آن سیراب می‌شود و باوچی، خود را غنی و استوار می‌سازد.»^(۱) به نظر می‌رسد، اختصاص یک‌فصل از کتاب به‌موضوع «محبت» علاوه‌بر نشان دادن تأثیر «عرفان» بر ملاصدرا، وجه‌تمایز وی با برخی فلاسفه سیاسی پیشین را نیز به مخاطب گوشزد می‌کند؛ ضمن آنکه طرح چنین بحثی در فلسفه سیاسی برای مخاطب در عین حال که غریب می‌نماید حس کنجکاوی او را هم برمی‌انگیزاند.

روشناسی ویژه‌دستگاه حکمت‌سیاسی متعالیه که مبتنی بر تکثر منابع شناخت و جمع هم‌زمان میان انواع شناخت حسی، عقلی، شهودی و وحیانی به‌عنوان چهار سطح معرفت و جمع میان «عرفان»، «قران» و «برهان» یا به کارگیری توانم‌ «عرفان، حکمت و قفاهت» بر

«اومانیسیم و غربزدگی» منتشر شد

کتاب «اومانیسیم و غربزدگی» اثر جمعی از محققان توسل‌پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شد. این کتاب در راستای تبیین خاستگاه اومانیسیم، بیان آرای فیلسوفان موثر دوره جدید غرب، آثار و تبعات مهم نگره انسان‌گرایی در روش‌شناسی علوم انسانی و به علاوه پیشینه و پیرنگ نگره اومانیسیم در قالب روشنفکری و غربزدگی تهیه شده است.



استفاده او و همچنین از ریشه‌یابی کلمات بسیار مفیدتر باشد. البته این مطلب نسبت به میزان تسلط خواننده به ادبیات و زبان آلمانی و همچنین انتخاب نوع ویراست اثر متفاوت است. دیگر وجهی که هگل و متن آن را در روش دوم مطالعه او (انفرادی) سخت‌تر کرده است، استفاده هگل از جملات بسیار بلند است، این فضا آنقدر در متون هگل دیده شده که بعضاً توسط مترجم‌های داخلی نیز عیناً تکرار شده و گویی مترجم سعی بر خرد کردن جملات نکرده است. البته این قصور از جانب مترجم نیست بلکه بیشتر از تالیف جملات است. جملات به قدری زنجیروار به هم متصل هستند که در اکثر موارد قابلیت جداسازی و تکه‌تکه شدن را ندارند. البته نباید فراموش کنید تنوع زبان آلمانی باعث شده است هگل از این عبارات به راحتی استفاده کند.

وقتی به پدیدارشناسی هگل می‌رسیم این دشواری دوچندان می‌شود. موضوع بحث و همچنین در هم تنیدگی موضوع و محتوا و ممارست امروزی فهمیدن مفهوم پشت متن باعث شده است پدیدارشناسی هگل، گاهی همراه با تناقضاتی باشد. اصولاً هگل این توانایی منفی را دارد که اصطلاح مشخصی را در کاربردهای دیگر، آنقدر به صورت‌های مختلفش نمایان کند که آن مفهوم دچار گسست و زایشی نشود. این زایش نو، عموماً جنبه مثبتی ندارد و بر سردرگمی و دشواری‌های متن بیشتر می‌افزاید. برای درک بهتر این مثال کافی است به ترجمه‌های پرتعدادی که از پدیدارشناسی روح در ایران به چاپ رسیده، مراجعه کنید. یافت ده‌ها اصطلاحی که شاید در کنار هم ارتباطی به یکدیگر نداشته باشند اما همه از یک متن مادر ترجمه شده‌اند نشان دهنده عوارض منفی این صورت‌وضعیت است. حتی در برخی ترجمه‌های پدیدارشناسی شاهد آن هستیم که نه در صورت بلکه در مفهوم هم تناقضات فاحشی وجود دارد و این خود مبین این مطلب است که حتی مترجمان هم به میزان فهم خود توانسته‌اند متن هگل را درک کنند. این باتلاکینی برای گروه اولی که با وجود واسطه‌ها می‌خواهد هگل را درک کنند آینده کدری را نمایش می‌دهد. مطالعه آثار فارسی هگل از کدام مدخل؟ فهم هگل از کدام استاد؟

حال اینکه برخی اساتیدمبلغ فلسفه هگل درخصوص ادبیات و زبان آلمانی تسلط بسیار کمی دارند و برخی (حتی دانشجویان و فلسفه‌دوستان) بر حسب ترجمه آثار آلمانی هگل به انگلیسی، سعی در درک فلسفه‌اش کرده‌اند. این درحالی است که فلسفه‌پژوه با این روش نیز، خود را در شرایط دوچندان دشوار از عدم درک آثار هگل بالاخص پدیدارشناسی روح او قرار می‌دهد (به‌واسطه درگیری با اشتباهات ترجمه از متن آلمانی به انگلیسی). در پایان باید با این فرض روبه‌رو شد که ما برای درک بهتر فلسفه هگل (و هر فیلسوف غربی دیگری) ناچار به وسعت دادن به فهم زبانی خود هستیم تا به ناچار در دام برخی افرادی که مدعی درک درست از هگل هستند، نیفتیم. اصولاً فهم فیلسوفی چون «هگل» و آثار او مستوجب مراتب‌های بی‌شماری است و غلبه بر همین دشواری‌هاست که لذت‌بخش است.



سراسر مباحث کتاب سایه انداخته است. کتاب را در مجموع به کتابی جذاب تبدیل کرده است.

ایده «ولایت حکیم عارف فقیه»، ایده‌ای است که می‌توان آن را برداشتی از اوصاف حکمران در اندیشه ملاصدرا تلقی کرد. ایده‌ای که معمولاً نظر هر خواننده‌ای را چه به‌عنوان مخالف و چه موافق به خود جلب می‌کند؛ این ایده پایی در فقه سیاسی و پایی در فلسفه سیاسی دارد؛ نویسنده ضمن آنکه با طرح این ایده، پلی میان فلسفه سیاسی و فقه سیاسی می‌زند، اشتراکات و افتراقات این ایده را با ایده‌هایی نظیر «ولایت فقیه» و نیز ایده «فیلسوف‌شاه افلاطون» و به مخاطب به نشان نمی‌دهد، ضمن آنکه مخاطب در برابر این سوال قرار می‌گیرد که این ایده را با کدام رویکرد باید فهم کرد؛ فقهی یا فلسفی؟

به نظر، ایده فلسفه سیاسی صدرالمتاهلین، دارای سه رقیب جدی است: یکی ایده‌ای که دلامشغولی اصلی ملاصدرا را «الهیات» و نه سیاست می‌داند و لذا اقاتل به فلسفه سیاسی صدرالمتاهلین نیست. دوم ایده‌ای که قائل به زوال اندیشه سیاسی و فقدان تأملات فلسفی مستقل پیرامون سیاست پس از فارابی است و سوم ایده‌ای که معتقد است از فلسفه مطلق، نمی‌توان مستقیماً مواد فلسفه سیاسی استخراج کرد و حکمت متعالیه به‌طور منفع، مشتمل بر عناصر محتوایی یک فلسفه سیاسی جامع نیست؛ هر چند می‌تواند در طریق تکوین چنین فلسفه‌ای ایفای نقش کند. به نظر می‌رسد یا آنکه در ابتدای می‌توان گفت محتوای ارائه شده در کتاب، چالشی در برابر هر سه ایده رقیب محسوب می‌شود، اما همچنان در حوزه مفهوم‌شناسی مبسوط‌تر ایده «فلسفه سیاسی صدرالمتاهلین» و تثبیت این ایده، راه درازی در پیش است.

پانوشته‌ها:

۱- لکزایی، شریف. فلسفه سیاسی صدرالمتاهلین. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول. ۱۳۹۵. ص ۲۶.

۲- همان. ص ۱۵۹.